

بسم الله الرحمن الرحيم

تجارتی که عملی می کنند در دهه اول از ناصیه نفس فویر در عرض آسیب است.
نفس در برابر خوشی و لذت می آید غافل می شود و در برابر ناخوشی و دنگ و فسرده
می شود و اینگونه روند عملی کنند شده و گاه با انحراف کشیده می شود.
عملی در دهه دوم از تجویم افراد می آید که در عرض آسیب است و وقتی که فرد از
نفس کین تا کم بر رازها می آید است. در این صورت با محصر ناکه افراد با هم
در سطحی شوند یا از هم دلسرد می گردند.

عملی در دهه سوم از تجویم آید که در عرض آسیب قرار می گیرد. هر موقعی که در زمان
نیاز به همکاری، این تجویم همکاری نکند و وقتی ممکن است دسیسه هم می کشند
عملی در دهه چهارم از ناصیه دشمنان دلیل مورد هجوم واقع می شود.
عملی در دهه پنجم از ناصیه افراد که بر آنها عملی صورت گرفته در معرض آسیب قرار می گیرد
اسی لغزیده به دلیل مخالفت با شیوه عملی یا مواردی که سعی در توقف عملی دارند.

همه مدبیر بر همه موارد فوق چاره اندیشی کند. اگر صانع کند باید بر اند خود را
در کارزار با ابلیس قرار داده است.
ابلیس سرگشته تر و دشمن عملی است که بر آ مقابله با او باید به هزاره
به بی عملی رجوع کرد و به آن عمل نمود. هزاره بی عملی هستند و بکار
مورد محفلت واقع می گردند و همان هستند ابلیس را تا کام می نذرند.
توجه

الحمد لله / صلوات الله علی محمد و آل محمد

بسم الله الرحمن الرحيم

مجاهدی که عملیات می‌کند در وهله اول از ناحیه نفس خویش در معرض آسیب است.

نفس در برابر خوشی‌ها و گشایش‌ها غافل می‌شود و در برابر ناخوشی‌ها و تنگناها فسرده حال می‌شود و این‌گونه روند عملیات کند شده و گاه به انحراف کشیده می‌شود.

عملیات در وهله دوم از مجموعه افراد مشارکت‌کننده در معرض آسیب است وقتی که هر یک از افراد نفس‌هایشان حاکم بر رای‌های آنهاست. در این صورت با مختصر ناکامی افراد با هم درگیر می‌شوند یا از هم دلسرد می‌گردند.

عملیات در وهله سوم از مجموعه‌های بیرونی در معرض آسیب قرار می‌گیرد. همان موقعی که در زمان نیاز به همکاری این مجموعه‌ها همکاری نکنند و حتی ممکن است دسیسه هم داشته باشند.

عملیات در وهله چهارم از ناحیه دشمنان دین مورد حمله واقع می‌شود.

عملیات در وهله پنجم از ناحیه افرادی که برای آنها عملیات صورت گرفته در معرض آسیب قرار می‌گیرد. این افراد به دلیل مخالفت با شیوه‌های عملیات یا موارد دیگر سعی در توقف عملیات دارند.

مجاهد باید برای همه موارد فوق چاره‌اندیشی کند. اگر چنین کند باید بداند خود را در کارزار با ابلیس قرار داده است.

ابلیس سرسخت‌ترین دشمن عملیات‌های توحیدی است که برای مقابله با او باید به گزاره‌های بدیهی عقلی رجوع کرد و به آنها عمل نمود. گزاره‌های بدیهی گزاره‌هایی هستند نوعاً مورد غفلت واقع می‌شوند و توجه به همان هاست که ابلیس را ناکام می‌گذارد.

الحمد لله / صلی الله علی محمد و آل محمد

۲۶/۱۲/۹۹ - ۲ شعبان

سوغات علی بن موسی الرضا علیه السلام

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

اللهم صل على محمد و آل محمد

فاسق، منافق و فتنه گر هر سه دارای فسق، نفاق و فتنه اند و اینگونه نیست که فرد تنها به یکی از این سه گرفتار باشد.

فسق، مانع اعتدال است و نمی گذارد فرد در امور زندگی خود، بر مدار عدل و حق باشد؛ در هر کاری یا افراط می کند یا تفریط.

نفاق، مانع ارتباطات صحیح و تعاملات شایسته است و نمی گذارد روابط خود را بر منطق حدود و حقوق الهی انجام دهد.

فتنه، مانع آرامش در خود و دیگران است و نمی گذارد آب خوش از گلوی فرد پایین رود.

فسق، در صورتی ایجاد می شود که فرد بدون نور باشد و در تاریکی ها و بدون علم تصمیم بگیرد.

نفاق، در صورتی ایجاد می شود که قدرت فرد در انجام کارها به اندازه کافی و لازم نباشد و قول و فعل فرد در کارهایی که قبول کرده و در مسئولیت هایش، با همخوانی نداشته باشد.

فتنه، در صورتی ایجاد می شود که فرد اطمینان از درستی کارها و رسیدن به نتایج درست نداشته باشد.

فسق، راه رفتن در ظلمات و نفاق، قبول مسئولیت و انجام کارها بدون جهت مشخص و درست، و فتنه، دل دل کردن و روحیه آرام نداشتن در کارهاست.

فسق؛ حیرت، نفاق؛ ضربه و آسیب، و فتنه؛ چالش و دردسر است و این سه نمی توانند از هم جدا باشند.

۱۵/۱۲/۱۴۰۰

۳ شعبان

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد
سرود فتح می خواند هر ملائکه ای و با خود بشارت بخواند و اما آنوقت
و هدایت را سر می دهد تا نقرضا و تدریج سکینه او ایمانی بر خیزد
بفرایه و بهشت را به زدن آنگاه که هر چه متعلق در مکر است را
به برای خود برساند.

این سرود از آن موقعی سرود شده خداوند رسول خاتم خود را صادر
میشود و منذر قرار دارد. خداوند عزیز حکیم بجهت خود خود او را
شاهد قرار داد تا بر فعل همه خوبان عالم نواها باشد و بر قصود
خوبها با وجود مبارک خویش همه نذرند. او در این شاهد بر دل هر
خوبی بوده بصورت کامل آشکار کرد و خود را جامع حق عالم در یک
حضور مبارک است قرار داد.

خداوند عالم او را مبشر قرار داد تا به اهل توصیه بشارت
قرب را به بعد و آنرا به طریقی خود را رسیدن به فتح نماید و
لنصابیح را نصایب کند. اگر وجود مقدس او نبود قرب به آن
مناطیح خود محقق نمیشد. در این بشارت همه خوبان عالم به
هدایتی مستقیم میشوند و از لغت یافتگان میشوند.

خداوند او را منذر قرار داد تا از ظهور باطل که به واسطه غیبت
نفرته حق صلیوه دارد شود جلوتر بکشد. این منع نه باز در وادار
ملک با برائتین و به خیال و تفکر وادار کردن تحقق می یابد.
فرایه این بعثت در طول زمان صورت می گیرد و این استمرار ظهور
قرینت منحصر به فرد اوست. ۱۳۱۱/۱۲/۲۸

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

اللهم صل على محمد و آل محمد

سرود فتح می خواند هر ملائکه ای و با خود بشارت غفران و اتمام نعمت و هدایت را سر می دهد تا نصر خدا و نزول سکینه او، ایمانی بر مومنان بیفزاید و بهشت را به روی آنها بگشاید و هرچه منافق و مشرک است را به سزای خود برساند.

این سرود از آن موقعی سروده شد که خداوند رسول خاتم خود را شاهد و مبشر و منذر قرار داد: خداوند عزیز حکیم با همه جنود خود او را شاهد قرار داد: تا بر فعل همه خوبان عالم گواه باشد و بر حضور و ظهور همه خوبی ها با وجود مبارک خویش صحنه گذارد. او در این شاهد بودنش هرچه خوبی بود به صورت کامل آشکار کرد و خود را جامع محاسن عالم که لایق حمد و ستایش است قرار داد. خداوند عالم او را مبشر قرار داد: تا به اهل توحید، بشارت قرب بدهد و آنها را بر طی طریق خود تا رسیدن به فتح نهایی و لقاء جامع راهنمایی کند. اگر وجود مقدس او نبود قرب به آن معنای جامع خود محقق نمی شد. در این بشارت همه خوبان عالم به هدایتی متنعم می شوند و از نعمت یافتگان می شوند. خداوند او را منذر قرار داد: تا از ظهور باطل که به واسطه غیبت نصرت حق جلوه دار می شود جلوگیری کند. این منع نه با زور و اکراه بلکه با برانگیختن و به قیام و تفکر وادار کردن تحقق می یابد. فرایند این بعثت در طول زمان صورت می گیرد و این استمرار در ظهور مزیت منحصر به فرد اوست.

۳۰ بهمن ماه ۱۴۰۱

۲۸ رجب

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين اللهم صل على محمد وال محمد

بسیار شایسته است اگر کسی به تفریح یا تحریر حق در همه عالم بایست
و خود و خانواده و هر آنچه در اختیار دارد را در آن مسیر هدر نهد
چنین کسی کمبودهای زندگی خود در تفریح کوی می شود و وقت و توان
برای جهاد در راه خدا آزاد می گردد.

پس در پیج و رسانه این امر در محل تحقیق می شود و در ذهن و با ارز
و هر مسلمانی باید خود را ملزم به بودن روشن باری خدا در دنیا و دنیا آخرت
آنها باشد و ادلویته ها خود را بر این اساس تنظیم کند.
موانع جهاد در راه خدا را با تائید و تائید می توان از حرکت و مبارزه
و هر راه اطاعت از خود و رسول حاضر ساخته است.

هر مسلمانی باید خود را در صف رسول و عقاب کند و رسول بماند و در این
نبرد با رسول هم عهد با او دردد. در این صورت است که خداوند بر او
آرامش از چیز سکنه عطا می کند. اگر کسی عطا شده و کاملاً محسن

که بسیار است بر او رسید به همه آنچه در نظر دارد.
اگر کسی اینگونه نباشد در کسین عوارض روزگار و رویدادها تلخ قرار می گیرد
زندگی به پای او می رسد و او را از پایداری در راه خدا و تکیه بر او
وارد می شود و از فکر هر فتنی بیرون می رود و پایداری و پایداری در راه
و پایداری در روز خود را در مشکلات و سختی غرق می کند. چنین فردی
به توفیق الهی نرسد و راه است که او را دارد و نه نصیری. این سنت قطعی
خداوند است که بجز این به صورت مکرر می آید و در طول تاریخ اتفاق
افتاده است و اکنون قید می نماید.

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

اللهم صل على محمد و آل محمد

بسیار شایسته است اگر کسی به فکر فتح با محوریت حق در همه عالم باشد و خود و خانواده و هر آنچه در اختیار دارد را در این مسیر هزینه کند.

چنین کسی کمبودهای خود در نظرش کوچک می شود و وقت و توانش برای جهاد در راه خدا آزاد می شود.

پنجه در پنجه دشمنان انداختن، در عمل محقق می شود نه در ذهن و با آرزو.

و هر مسلمانی باید خود را ملزم به رو در رو شدن با دشمنان دین و مبارزه با آنها بداند و اولویت های خود را بر اساس آن تنظیم کند.

خداوند جهاد در راه خود را تنها برای نایبنا و ناتوان از حرکت و بیماران، استثنا کرده است؛ و همه را به اطاعت از خود و رسولش مامور ساخته است.

هر مسلمانی باید خود را در صف رسول و مقابل کننده با دشمن بداند و در این نبرد با رسول بیعت کرده هم عهد با او گردد.

در این صورت است که خداوند به او آرامشی از جنس سکینه عطا می کند. آرامشی عطا شده و کاملاً مشخص که بشارتی است برای رسیدن به همه آنچه او در نظر دارد.

اگر کسی اینگونه نباشد، در کمین حوادث روزگار و رویدادهای تلخ قرار گرفته، زندگی به پای او می پیچد و او را از پای در می آورد، آنقدر سختی و تلخی بر او وارد می شود که از فکر هر فتحی بیرون می رود و با دست و پا زدن در مرداب دنیا روز به روز خود را در مشکلات و سختی ها غرق می کند.

چنین فردی به نوعی زندگی تن داده است که نه ولی ای دارد و نه نصیری. این سنت قطعی خداوند است که تجربه آن به صورت مکرر برای انسان ها در طول تاریخ اتفاق افتاده است و امکان تبدیل هم ندارد.

۱۴۰۱/۱۲/۳

اول شعبان

بسم الله الرحمن الرحيم
الحمد لله رب العالمين

اللهم صل على محمد و آل محمد

ست

شماره ۱۰

بوی عطر می آید و کویچه آبراه حضرت آب و جارد
قلب با مدت است نه از غنا ملز دست کشیده
دست ها به خاطر این تو بیا به گره شایه نکند
پایا به اضطراب افتاده اند و از رفت و آمد در
خوابات به واری می کنند

چشم به افق ها فتح در فتح خورشید و اندوه
در قلب متوق می کنند

نور ها، خیل مستقر نه خیر آمدن را بسند
به واسطه این است که هیچ خبری برای این معانی
و زبیرها فقط و فقط از تو امان می کنند

و کدام خدا بر زبیرها جبار می کنند
و رفته ها می نویسند نام ها عاشقانه را بر تو و غزل
بیعت می کنند با مینا و معانی برایت سلام محمدی ۱۵

۱۴۰۱
۱۷، ۱۳

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

اللهم صل على محمد و آل محمد

بوی عطر می آید و کوچه ها برای حضورت آب و جارو شده است ،

قلب ها مدت هاست که از گناهان دست کشیده اند،

دست ها به خاطر اینکه تو بیایی گره گشایی می کنند.

پاها به اضطراب افتاده اند و از رفت و آمد کردن در خیرات، بی قراری می کنند.

چشم ها به افق های فتح در فتح خیره شده اند و امید را در قلب مشق می کنند.

گوش ها خیلی منتظرند که خبر آمدنت را بشنوند و به واسطه این انتظار هیچ خبر دیگری برایشان معنا ندارد،

و زبان ها فقط و فقط از تو امام حق و کلامت و کلام خدا بر زبان ها جاری می کنند.

و نوشته ها می نویسند نامه های عاشقانه را برای تو و بیعت می کنند با میثاق های بزرگت.

سلام مهدی (ع) ، عزیز فاطمه (س)

۱۵ شعبان

۱۴۰۱/۱۲/۱۷

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين اللهم صل على محمد وآل محمد
 لحظه زنگی هوائی قطره قطره جریان آبی است که با نفوذ نفس
 از بیوه می شود تا به به نهایت متصل شود.
 رود انزال که هال اراده اوست است انزال جزو امضی است
 اگر در مدار دنیا باشد به مرداب آن رسد و به نهایت لذت و
 تحقیر ملحق گردد و اگر در مدار آخرت باشد به پاک و عزت و
 مخلص اتصال می یابد و به زینت حیات می پیوندد.
 بهت رود تعیین کنند. سهو نیست اوست و بهت را اراده نفس
 و اراده تحت تأثیر طلب و خواست انزال قرار دارد.

اراده خدا خواه، رسول خواه، وحی خواه و حکم خواه به سببها - حلو
 نه گشته و اراده خدا خواه، رسول خواه، وحی خواه و حکم خواه به سببها
 به نهایت ماضی می گشاید.

لحظه زنگی را اراده که به در می شود آن سوسه برسد و اثر بعضی
 لذت در مسیر دایم با سرعت به کمال رها می شود. روزی فرد
 با فضا و روزی در سر خداست. حتی روح آخرت و بهت در روح دنیا
 و اینگونه است که وقت ها از دست می رود و زنده در چارفتگی
 می گردد.

اراده آن که هنوز فتح نشده است و در بهت حق تعالی نیست
 رو می شود هر روز در گمراهی قرار دارد و به سببها
 و اینگونه از نفس هفتاد و در جاذبه می شود به چسبایی در
 کلام دل مختلف گویند. اگر می رهیست و به نسبت و چسبایی
 به تر از انزال می توانم باشد!

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

اللهم صل على محمد وآل محمد

لحظه لحظه زندگی هر انسانی قطره قطره جریان آبی است که با نفس نفس زدنی پیموده می شود تا به بی نهایت متصل شود.

رود انسان که همان اراده ی اوست، جهت این جریان را مشخص می کند.

اگر در مدار دنیا باشد به مرداب آن رسیده و به نهایت گنبدیگی و تعفن ملحق می گردد و اگر در مدار آخرت باشد، به پاکی و زلالی و خلوص اتصال می یابد و به زمزم حیات می پیوندد.

جهت رود تعیین کننده ی سرنوشت اوست و جهت را اراده تعیین می کند و اراده تحت تاثیر طلب و خواست انسان قرار دارد.

اراده خداخواه، رسول خواه، وحی خواه و حکم خواه به سوی بی نهایت خلوص می کشاند و اراده ی خداخواه، رسول نخواه، وحی نخواه و حکم نخواه به سوی بی نهایت ناخلوص می کشاند.

لحظه لحظه ی زندگی را اراده ها به این سو و آن سو می برند و این یعنی کندی در مسیری که باید با سرعت به کمال رهسپار شود.

روزی فرد با خدا و روزی دیگر بی خداست.

جهتی رو به آخرت و جهت دیگر رو به دنیا و اینگونه است که وقت ها از دست می رود و زندگی دچار فتنه ها می گردد.

اراده ای که هنوز فتح نشده است و در جهت حق تثبیت نگشته، رودی می شود که هر روز در گرانشی قرار دارد و به سکون مبتلا می شود و اینگونه از نفس می افتد و درجا زده می شود.

به چنین کسی در کلام وحی مخلف گویند.

او در مسیر هست ولی نیست و چه چیز بدتر از این می تواند باشد؟

۱۴۰۱/۱۲/۲۸ - ۲۶ شعبان

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين - اللهم صل على محمد و آل محمد

عالم در فتح است: زمستانها رود و بهار که در آن زمان در پس از فتح
به آن از فتح انقباضند.

فتح گشایی از نوع بر طرف شدن موانع رویش است.

و مگدوفات در گل ها و به ثمر نشستن میوه است.

و به جریل افتادن نسیم ها در آن است.

و ایجاد شروع ها و نوشیدن زنده است.

فتح قلب ها همانند بهار و مگدوفات نسیم نوشیدن است.

با این عمل صالح تحقق می شود

این عمل صالح سر یک زنده را به این صاحب بحر و صفت آن را

به آب و آبادانه تبدیل می کند.

با این عمل صالح است که حال که خوب می شود (قلب)

و بعد از این عمل صالح فتح قلب به قبض تبدیل می شود و در

زمستان به حاصل و سرای به روح می گردد به آن حالت خروج

از تنگنای به بهار و عقب ماندن همراه است و به واسطه آن ضیاء

معنوی از خرد سلب می شود و عواطف از او سلب می شود و لطف

و مرادت از آفرینش می شود و خود و به حاصل ظاهر می شود

تا جای به بودی که آن برکت به حالت اصلاح تر از دست می رود

به نفس به گفته شده است. نفس در طلب بدست می آید به وجود آید

از درگاه و این به و سکون سر و در روح نمایان می شود. از آراء ۱۴۱

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

اللهم صل على محمد و آل محمد

عالم در فتح است، زمستان ها می رود و بهار می آید تا در پس این فتح ها به انسان فتح را بفهماند.

فتح گشایشی از نوع برطرف شدن موانع رویش است.

و شکوفا شدن گل ها و به ثمر نشستن میوه ها است.

و به جریان افتادن نسیم های روح افزا است.

و ایجاد شروع ها و نو شدن زندگی ها است.

فتح قلب ها همانند بهار و شکوفایی و نسیم نو شدن زندگی است که تنها با ایمان به خدا و عمل-صالح محقق می شود.

ایمان و عمل صالح سرمای یک زندگی را به گرمای حیات بخش و خشکی آن را به آب و آبادانی تبدیل می کند.

با ایمان و عمل صالح است که حال ها خوب می شود تحول قلب ها امکان پذیر می گردد.

و بدون ایمان و عمل صالح فتح قلب به قبض تبدیل می شود و فرد زمستانی بی حاصل و سرمایی بی روح می گردد. به این حالت خروج از تحول که با بد حالی و عقب ماندگی همراه است و به واسطه آن حیات معنوی از فرد سلب می شود و عواطف از او سلب می گردد و نشاط و طراوت از او گرفته می شود و خمودی و بی حالی ظاهر می شود تا جایی که گویی امکان برگشت به حالت اصلاح نیز از دست می رود «تعس» گفته شده است. تعس که در قلب بدون ایمان به وجود می آید با روزمرگی و ایستایی و سکون سرد و بی روح نمایان می شود.

۱۴۰۲/۱/۱

۲۸ شعبان

بسم الله الرحمن الرحيم الحمد لله رب العالمين اللهم صل على محمد و آل محمد

قلب برآ بودن یا برخی افراد به حرارت می افتد و با بودن برخی از
حرارت می افتد.

قلب با بودن یا برخی به بیش می افتد و از بودن یا برخی از بیش
قلب با بودن یا برخی آرام و قرار می یابد و در هنگام رو برداشتن یا برخی
به قرار می گردد.

قلب با آن (مؤمن) حرارت دارد، بیشتر و آرام است قلبی
و اگر صبر نبود، کفر آن را رفته است.

قلب مؤمن قلبی فتح شد، و مصفا می گردد و رحمت در آن است زیرا
حرارتش را بیشتر و آرامش فراوان و تپش را کمتر در کار

را موصی می شود و با آن می توان حیات را جاری کرد.
قلب مؤمن نه تنها دوست دارد همیشه با محمد (ص) باشد بلکه تنها
با بودن با او می تواند قرار می گیرد.

چنین قلبی در بیست و یک (ص) است و از آن نور دریا می آید و خود
به نغمه او نمی پیارد، سوره حصن و هرگز و قرار آن را با اشتیاق

نزدیکه و قلبش با آن گرم و نورانی می شود.
محمد (ص) بر آن مؤمن شخصی است که نفسش را با او به سوره می

جستار دارد و در او جاری نمی شود و قرآن مثل اوست برای او
همین با قرآن به میان بودن با محمد (ص) بلکه بودن با محمد (ص) است

بسم الله الرحمن الرحيم

الحمد لله رب العالمين

اللهم صل على محمد و آل محمد

قلب برای بودن با برخی افراد به حرارت می افتد و با بودن برخی از حرارت می افتد.

قلب با بودن با برخی به تپش می افتد و از بودن با برخی از تپش می افتد.

قلب با بودن با برخی آرام و قرار می یابد و در هنگام رو به رو شدن با برخی بی قرار می گردد.

قلبی که با انسان مومن حرارت دار، پرتپش و آرام است قلبی مومن است و اگر چنین نبود، کفر آن را گرفته است.

قلب مومن قلبی فتح شده و مفتاح خیر و رحمت و برکت است، زیرا:

حرارتش گرما بخش و

آرامشش قرار آفرین و

تپندگی اش سرعت در کار خیر را

موجب می شود و با آن می توان حیات را جاری کرد.

قلب مومن نه تنها دوست دارد همیشه با محمد(ص) باشد بلکه تنها با او می تپد و قرار می گیرد.

چنین قلبی در بیت محمد(ص) است و از آن نور دریافت می کند و خود را به غیر او نمی سپارد.

شور و حصن و حرز و قرار آن را با اشتیاق پذیرفته و قلبش با آن گرم و نورانی می شود.

محمد(ص) برای مومن شخصی است که نفْس هایش با وحی به شماره می افتد و چیزی جز کلام خدا در

وجود او جاری نمی شود و قرآن مَثَل اوست. برای او همنشینی با قرآن به مثابه بودن با محمد(ص) بلکه بودن

با محمد(ص) است.

۸ فروردین ماه ۱۴۰۲

۶ ماه مبارک رمضان